

ماه مبارک رمضان

دست بابام یه کاسه بود ...



دست بابام یه کاسه بود
یادش نبود که روزه بود
نشسته بود یه گوشه
می خواست که آب بنوشه
گفتم بابا به افطار
چیزی نمونه انگار
بابا جونم تا شنید
زد زیر خنده ، خندید